



LIDA Stories

lidastories.net

بہ کار رفتی

✎ Espen Stranger-Johannessen
& Aakane
✉ Shir Ahmad Laiwal



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0>

بہ کار رفتی



✎ Espen Stranger-Johannessen
& Aakane
✉ Shir Ahmad Laiwal
2
دردی



بهت زنگ می زند. وقت است که بیدار
شوید.

تو به او می آید.





او تشاب می رود.



او به سحہ گری می رسد. او در یک دفترگر
می کند.

او چوکی می رود.



او دندان های خود را بویس می کند.





او دهنش را شستشو می دهد.



او بکس دستی خود را می گیرد و به گر می رود.

او بنکس دستي خود را مي گيرد.



شويتد.

او دوش مي گيرد و موهي خود را مي





او خود را بیک چن پک خشک می کند.



او لابس می پوشد. او یک دامن و بلوز می پوشد.